

اسلام

آيين پرستش و پاسخ

www.ketab.ir

سرشناسه: یوسف پور، رحمان
عنوان و نام پدیدآور: اسلام، آئین پرستش و پاسخ / مؤلف رحمان یوسف پور
مشخصات نشر: تهران: ادباء، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۳۵۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۶۴-۰۶-۰
وضعیت فهرست نویسی: ایبا
پاداشت: کتابنامه: ص: ۳۵۲ - ۳۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: اسلام - پرستش ها و پاسخ ها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ الف ۵ ی / BP۱۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷۶



انتشارات ادباء

قم/خ آیت ا... مرعشی شفر، یار و قدس / طبقه بالا/ پلاک ۱۸۸ / نشر ادباء / صدرالادبانی
تلفن: ۷۷۴۴۰۴۸۴ - ۷۷۴۲۰۳۰۰ / فاکس: ۷۷۴۰۴۸۰
سامانه پیامکی: ۰۶۰۰۹۳۹۲۵۱۱
E-mail: Shahram-Sadrololabaei@Yahoo.Com

اسلام، آئین پرستش و پاسخ

ناشر: ادباء

مدیر مسئول: سید شهرام صدرالادبانی

مؤلف: رحمان یوسف پور

ویراستار: فخر الدین یوسف پور

صفحه آرای و طرح جلد: سید حمید رشادی

نوبت چاپ: اول

سال: چاپ ۱۳۹۱ هـ ش

چاپ: امیران

صحافی: موثق

لیتوگرافی: جواد الانمه

شمارگان: دو هزار نسخه

قطع و تعداد صفحات: رقعی / ۳۵۴ صفحه

بهاء: ۹۵۰۰ تومان

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۰.....	اهمیت پرسش گری
۱۱.....	ضرورت پرسش
۱۳.....	شرایط پرسش و پرسش گر
۱۴.....	سیره معصومان(ع) در پاسخ به پرسش ها چگونه بود؟
۱۶.....	آیا جواب هر شبهه و پرسشی لازم است؟
۱۶.....	از چه کسانی باید سؤال کرد؟
۱۹.....	فصل اول: تشریح احکام
۲۰.....	شخصی
۲۸.....	اجتماعی
۵۳.....	فصل دوم: نکته های نامحتمل: فائ
۶۵.....	فصل سوم: پاسخ به شبهات
۶۶.....	شبهات
۶۷.....	کلام
۱۰۳.....	دین پژوهی
۱۱۱.....	آیات جنگ
۱۱۷.....	هدف آفرینش
۱۲۱.....	فصل چهارم: نماز و اثرات آن
۱۴۱.....	شرایط استخاره
۱۴۳.....	فصل پنجم: تربیتی - اخلاقی
۱۵۹.....	فصل ششم: اندیشه سیاسی
۳۰۵.....	فصل هشتم: گوناگون
۳۴۷.....	فهرست منابع

مقدمه

سؤال روشن ترین پدیده روح تشنه و حقیقت جوی آدمی است و دریچه ای است به سوی تکامل.

سؤال نشانه تلاش پیگیر جاودانی انسان برای کشف جهان اسرارآمیز مجهول ها است و به همین دلیل آنها که مطلبی برای پرسش و سؤال ندارند افرادی کم اطلاع در مسائل علمی خواهند بود.

و برای همین اسلام که یک آیین پیش رو و متعالی است نه تنها به پیروان خود حق سؤال از مسائل گوناگون می دهد، بلکه پیشوایان اسلام کراراً مردم را دعوت به پرسش از مسائل مختلف علمی می کردند.

منتها در پاسخ افراد، استعداد فکری و میزان هوش و دانش آنها را در نظر می گرفتند و به اندازه استعداد آنها پاسخ می دادند.

پرسش گری از آغاز آفرینش انسان رخ نمایی کرده — چه زیبا گفته اند:

هم سؤال از علم خیزد هم جواب

همچنانکه خار و گل روید ز خاک

خداوند در سوره انبیاء می‌فرماید: (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

لَا تَعْلَمُونَ)؛ «پس اگر نمی‌دانید از کسانی که اهل اطلاع‌اند بپرسید»^۱

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُجْزِرُ أَرْبَعَةَ

السَّائِلِ الْمَعْلَمَ وَالْمُسْتَمَعَ وَالْمُحِبَّ لَهُمْ^۲؛ «دانش به منزله گنجینه

هاست. و پرسش‌کننده آن است؛ پس خداوند رحمتتان کند، بپرسید که

چهار تن در رابطه با آن، اداش داده می‌شوند. پرسشگر، پاسخگو،

شنونده، دوست دار آنان» (کسی که دوست دار این سه گروه است).

انسان بر اساس فطرت، حقیقت جو و موجودی پرسش‌گر است

و دانش‌ها دستاورد کاوش‌ها و پرسش‌هاست

امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَلْبٌ قُبُلٌ وَمِفْتَاحُهُ

السُّؤَالُ^۳؛ به راستی که این علم فصل‌هایی دارد که کلید آن قفل‌ها

سؤال‌ها است.»

^۱ - انبیاء، آیه ۷.

^۲ - بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸؛ اعلام الدین، ص ۸۱؛ تحف العقول، ص ۴۱ و خصال، ج ۱، ص

۲۴۴.

^۳ - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰ و منیة المرید، ص ۱۷۵.

و نیز فرمودند: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ^۱؛ مردم هلاک خواهند شد برای آنکه مسائل خودشان را نمی‌پرسند.»

انسان فطرتاً کنجکاو است و کلید برطرف کردن شبهات و کشف مجهولات سؤال می‌باشد، مخصوصاً سؤال توضیحی و استفهامی جزء طبیعت و ذات انسان است، و جلوی شک و پرسشهایی که به صورت طبیعی به ذهن می‌آید را نمی‌توان گرفت، همانطور که حرکت قلب انیسان در اختیار او نیست و نمی‌تواند جلوی حرکت آن را بگیرد. پس به وحضرت پروردگار پرسش دینی به ذهن انسان باید به دنبال پاسخ استدلالی و قانع کننده ای به وسیله عالمان دینی باشد.

زیرا شبهه و سؤال مانند ویروس می‌باشد که داخل بدن می‌شود که اگر انسان در صدد درمان آن نباشد امکان دارد به تدریج او را به بیماری های سخت مبتلا سازد و به تدریج منجر به مرگ او گردد، همچنین اگر دنبال جواب سؤال نباشیم و با دلیل خود را قانع نسازیم، امکان دارد سبب شک در دین شود و به مرور زمان انسان را نسبت به اعتقاداتش سست کند.

و با تعبد و تحمیل هم نمی‌توان مسئله ای را به قلب و روح فهماند. بله، امکان دارد با تهدید و ارعاب جسم تسلیم شود، اما قلب و روح تسلیم نخواهد شد.

^۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۸ و منية المريد، ص ۱۷۵.

اهمیت پرسش گری

علی (ع) می‌فرماید: «الشَّكُّ يُفْسِدُ الدِّينَ^۱؛ شبهه در صورتی که پاسخ آن داده نشود دین را تباه می‌کند».

و فرمودند: «الشَّكُّ يُطْفِئُ نُورَ الْقَلْبِ^۲ يُخْطِطُ الْإِيمَانُ^۳؛ شبهه در صورتی که پاسخش داده نشود نور قلب و دل را خاموش می‌گرداند. و ایمان را از بین می‌برد».

فرشتگان و پیامبران نیز سؤال داشته‌اند، اما نه در حد انسان‌های معمولی چون انبیا به درجاتی رسیدند که باطن عالم را می‌دیدند. دیدن غیب و شهود هم در انبیا مراتبی داشته است.

پس پیامبران در هر درجه‌ای هم باشند^۴ در برابر علم و قدرت بی نهایت خداوند علمشان محدود است. فرشتگان در نهایت ادب درباره حضرت آدم سؤال می‌کنند.^۵

حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد کیفیت زنده کردن مردگان از خدا می‌پرسد تا به درجه بالاتر یقین برسد.^۶

^۱ - غرر الحکم، فصل اول، شماره ۷۸۴.

^۲ - غرر الحکم، فصل اول، ص ۷۷۳.

^۳ - همان، فصل اول، شماره ۱۲۸۹.

^۴ - بقره، آیه ۲۵۳، اسراء، آیه ۵۵؛ انعام، آیه ۷۵ و طه، آیه ۱۱۴.

^۵ - همان، آیه ۳۰.

^۶ - همان، آیه ۴۶۰.

حضرت عَزِیز وقتی از شهری که ویرانه شده بود عبور می کرد، سؤال می کند.^۱

عطش روح بی قرار و جست و جوگر آدمی را جز آب گوارای معرفت فرو نمی نشاند و راه رسیدن به سرچشمه زلال دانایی پرسش است.

افزون بر فطرت کمال جوی انسان که جلوه هدایت تکوینی خدای متعال است، آخرین تجلی هدایت تشریعی یعنی قرآن نیز به دانایی و پرسشگری که شایان کرده است. نخستین آیاتش درباره علم و دانایی است و کلمه معرفت را به دست آدمی می دهد که اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.

ضرورت پرسش

باید عالمان متعهد و مراکز علمی با پاسخ گویی پرستش و شبهات روح های جست و جوگر را از معارف غنی و ژرف اسلام سیراب کنند.

دستیابی به هر چیزی برای خود راهی دارد و رسیدن به تمام علوم و معارف اسلامی برای خود کلیدی دارد و کلید آن پرسش است.

^۱ - همان، آیه ۲۵۹.

امام صادق (ع) به عمران بن اعین که چیزی از آن حضرت پرسیده بود فرمود: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ»^۱ علت هلاکت مردم آن است که نمی‌پرسند.

فردای قیامت، خداوند به بنده ای که به فرمان هایش عمل نمی‌کرده می‌فرماید: آیا می‌دانستی؟ اگر گفت: آری، به او می‌گوید: چرا به علمت عمل نکردی؟ و اگر گفت: نمی‌دانستم و جاهل بودم. ندا می‌رسد: چرا یاد نگرفتی تا به آن عمل کنی.^۲

البته حجب و حیا در جای خود بسیار خوب است، اما نه این که به قیمت جهل و نادانی تمام شود، در بسیاری از روایات می‌خوانیم که معصومین: مردم را به پرسش‌گری تشویق می‌کردند که آنچه را در ذهن دارند بپرسند.

امیرمؤمنان علی (ع) در بالای منبر اعلام می‌کرد که از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید و می‌فرمود: «سَلُونِي عَنْ طُرُقِ السَّمَاوَاتِ فَإِنِّي أَعْرِفُ بِهَا مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ»^۳ از من درباره راههای آسمانها بپرسید که من از آنها نسبت به راه های زمین داناترم.

^۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۸ و منية المرید، ص ۱۷۵.

^۲ - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۸.

^۳ - بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۰۸؛ فضائل، ص ۹۸؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۳۰؛ كشف اليقين،

ص ۵۶ و نهج الحق، ص ۲۴۰.

شرایط پرسش و پرسشی گر

شرایط پرسش و پرسش گری زیاد است، اما طبق سخن معصوم علیهم السلام به دو مورد اشاره می شود:

۱. پرسش توهین آمیز نباشد، زیرا هر چه برخورد با طرف مقابل شاداب تر باشد پاسخ شیرین تری دریافت خواهد شد. علی (ع) فرمود: «اجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ»^۱ مردم را نیکو خطاب کنید تا پاسخ نیکو بشنوید.

۲. هدف از پرسش، فهمیدن نباشد. شخصی از امام صادق (ع) از طعم آب پرسید، حضرت فرمود: «سَلْ تَفْقَهُهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَبَأَ طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ»^۲ برای فهمیدن پرسش به بجای اذیت کردن، مزه آب مزه شیرین زندگی است و سپس این آیه را قرائت کرد که (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا)؛^۳ یعنی حیات هر چیزی بستگی به آب دارد.

آیا جواب هر شبهه و پرسشی لازم است؟

گاهی پرسش از طرف سؤال کننده برای به دست آوردن آگاهی و روشن شدن مطلب می باشد که وقتی جواب استدلالی می شنود قبول می کند.

^۱ - غرر الحکم، ص ۴۳۶.

^۲ - اصول کافی، ج ۶، ص ۳۸۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۱۵ و بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۴۷.

ولی گاهی پرشش برای دشمنی و عنادی است که با اسلام و برنامه‌های دینی دارد، لذا هر چند جواب منطقی هم باشد باز اشکال بی‌مورد می‌کند، زیرا مبنایش بر قبول نکردن و سفسطه بر دین است، حتی اگر صدها دلیل بیاوری قبول نمی‌کند همان طوری که برای نابینا اگر هزاران لامپ و نور افکن و یا خورشید روشن باشد باز می‌گوید: فضا تاریک است.

چون اینها سنی می‌خواهند که مطابق هوا و هوسشان باشد نه این که آنها بهره‌ایین باشند چنین افرادی خدا و معبود و معشوقشان دنیا و هولن نسیان می‌باشد.

امام حسین (ع) می فرماید: رَبُّ كَلَامِ جَوَابُهُ أَلْسُكُوت؛ چه بسا سؤالی که جوابش سکوت است.

سیره معصومان (ع) در پاسخ به پرشش‌ها چگونه بود؟

در روایات و سیره ائمه می‌خوانیم که مردم در مسائلی که شبهه داشتند به محضر ائمه مشرف می‌شدند و آنان با گرمی از آنها استقبال می‌کردند و مردم نیز سؤال‌های خود را مطرح می‌کردند و بعد از شنیدن پاسخ مستدل قانع می‌شدند، حتی زنداقه، کفار، عالمان مسیحی و یهودی پس از مطرح کردن سؤال‌ها جواب مستدل می‌شنیدند.

امام رضا علیه السلام در آن جلسه ای که مأمون تشکیل داده

بود، عالمان یهود را با تورات و دانشمندان نصاری را با انجیل و اهل زبور را با زبور و صائبین را با عقاید خودشان و موبدان را با زبان فارسی و رومیان را با زبان رومی جواب داد که در نتیجه همه متحیر شدند و مأمون شکست علمی را پذیرفت.

در جلسه دیگری مأمون از یحیی بن اکثم که از دانشمندان نامدار آن زمان بود و شهرت علمی اش در رشته های مختلف زبانزد خاص و عام بود خواست با امام جواد که در نه سالگی به امامت رسیده بود مناظره علمی با حضور دانشمندان، رجال سیاسی و کشوری برگزار کند، یحیی بن اکثم هر چه پرسید امام جواب داد و امام از او پرسید و او عاجز از پاسخ شد که نشان از دانایی امام (ع) در آن سن کم بود.

اصولا یکی از رسالت های پیامبران و ائمه و عالمان دینی پاسخ به شبهات مردم بوده است که اکنون ضرورت به پاسخ ماست و امیرمؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه درباره فلسفه بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «أُرْسِلُهُ بِالذِّينِ الْمَشْهُورِ ... إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ»^۱ خداوند پیامبر گرامی اسلام را با دینی آشکار به رسالت مبعوث نمود تا با ادله قوی شبهات در ذهن مردم را از بین ببرد.

^۱ - نهج البلاغه، ص ۴۶ خطبه ۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۱۷ و شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص

آیا جواب هر شبهه و پرسشی لازم است؟

گاهی پرسش از طرف سؤال کننده برای به دست آوردن آگاهی و روشن شدن مطلب می باشد که وقتی جواب استدلالی می شنود قبول می کند.

ولی گاهی پرسش برای دشمنی و عنادی است که با اسلام و برنامه های دینی دارد، لذا هر چند جواب منطقی هم باشد باز اشکال بی مورد می کند، زیرا مبنایش بر قبول نکردن و سفسطه بر دین است، حتی اگر صدها دلیل بیاوری قبول نمی کند همان طوری که برای نابینا اگر چراغ را لامپ و نور افکن و یا خورشید روشن باشد باز می گوید فضا تاریک است.

چون اینها دینی می خواهند که مطابق هوا و هوسشان باشد نه این که آنها پیرو دین باشند چنانچه افرادی خدا و معبود و معشوقشان دنیا و هوای نفسشان می باشد.

امام حسین (ع) می فرماید: «رُبَّ كَلَامٍ جَوَّاهُ السُّكُوتُ، چه بسا

سؤالی که جوابش سکوت است.»

از چه کسانی باید سؤال کرد؟

انسان های عاقل و فهیم برای حل مشکل به کاردان و متخصص مراجعه می کنند، مثلاً شخص بیمار به پزشک حاذق مراجعه می کند و فردی که می خواهد بنایی را بسازد به مهندس ساختمان

رجوع می‌کند، در مسائل دینی و اعتقادی هم می‌بایست به اهل فن و کارشناس دین مراجعه کرد. در همین رابطه مقام معظم رهبری فرمودند:

«اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر اشخاصی که صاحب نظر نیستند جایز نیست.^۱»

در این نوشتار ما توانسته‌ایم، مسائل گوناگون اعتقادی - کلامی ، فلسفی - عرفانی ، اخلاقی - تربیتی ، سیاسی - اجتماعی و تاریخ و سیره را به سبک جدید بیان کنیم، تا برای همگان به ویژه جوانان دانشجو و طلبه مفید باشد.

رحمان یوسف پور

برداد ۱۳۹۱

^۱ - فرهنگ اسلام، ۲۰ / ۱ / ۷۸، شماره ۳۱، ص ۳.